وقت مطالبه آرمان‌ها: سوم

وظیفه‌ی نیروهای مؤمن و انقلابی در برابر وضعیت امروز جامعه‌ی ایران چیست؟ چه طرح و برنامه‌ای پیش روی این نیروها قرار دارد؟ چه کارها و اقداماتی باید انجام دهند؟ چگونه می‌توان شرایط موجود را به جای تهدید، تبدیل به یک فرصت استثنائی برای جبهه‌ی انقلاب کرد؟

یک کار این است که نیروهای انقلابی، دست روی دست بگذارند و نظاره‌گر وضع موجود باشند و بگویند «هیچ فایده‌ای ندارد، نشده، پیشرفت نکردیم و نمی‌توانیم بکنیم»(۱۳۹۷/۰۳/۰۷)، یا مأیوس و ناامید شوند و بگویند « «آقا نمی‌شود، فایده ندارد، همه‌چیز به‌هم ریخته است.»(۱۳۹۷/۰۳/۰۷) یک کار دیگر اما این است با عزم راسخ و روحیه‌ی امیدوارانه، برای ساخت "آینده‌ی مطلوب"، کار و تلاش و فعالیت مضاعف کنند. «ما یک اتوبان را به‌صورت یک بن‌بست تصویر نکنیم. جلوی ما اتوبان است و می‌توانیم حرکت کنیم؛ بخصوص با امکاناتی که کشور دارد... نیروهای جوان... نقش لوکوموتیو را [دارند] که وقتی‌ حرکت کردند، به‌طور طبیعی به دنبال خودشان قطار را حرکت می‌دهند»(۱۳۹۷/۰۳/۰۷)





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 82/ شنبه 30 تیر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**چه کسانی می‌خواهند ایران جهنم باشد؟!**

****

اتاق جنگی که آمریکا در وزارت ‌خزانه‌داری خود به راه انداخته است بدون پیوست رسانه‌‌ای نیست. تحریم اگرچه قالب و شکل اقتصادی دارد اما ماهیت و هدف آن از نوع عملیات روانی است. کشور و جامعه مورد هدف باید به این نتیجه برسد که تاب مقاومت در برابر فشار حریف را نداشته و در نتیجه چاره‌ای جز تغییر رفتار و سیاست خود ندارد. تحریم اقتصادی، دشواری‌ها و عوارض خاص خود را دارد. عوارضی که حتی دامن کشور تحریم‌کننده را نیز می‌گیرد. اما عملیات روانی کم‌هزینه‌ترین و پربازده‌ترین نوع جنگ است و عوارضی برای عامل نیز ندارد. راه‌اندازی چند مرکز برای تولید، انتشار، بازنشر و ترول کردن پیام‌های ناامید‌کننده و تحقیرآمیز علیه ملت ایران، برای آمریکا و نوکران منطقه‌ای آن، آسان‌ترین و راحت‌ترین راه برای رسیدن به اهدافشان است. آمریکایی‌ها بطور علنی اعلام کرده‌اند سیاست «تغییر رژیم» را دنبال می‌کنند و می‌دانند تحقق این سیاست فقط با دستکاری ذهنیت مردم امکان‌پذیر است. ایرانیان فراری نقش سیاهی لشکر این نقشه را برعهده دارند. وطن‌فروشانی که چنان از کشور و مردم خود بغض و کینه به دل دارند که از پیشنهاد علنی تحریم و حتی حمله نظامی نیز دریغ ندارند. تحقیر ایران و ایرانی و سیاه نمایی و لجن‌پراکنی در فضای مجازی، کم‌ترین و کوچک‌ترین خوش‌خدمتی این جماعت، به اربابان خود است.

**ضرورت پوست‌اندازی در تیم اقتصادی**



ترمیم تیم اقتصادی می‌‌تواند اقدامی مثبت تلقی شود، اما آنچه مهم‌تراست، تغییر در سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری مدیریت اقتصاد است. به عبارت دیگر آنچه دولت را با چالش‌های اقتصادی مواجه کرده‌،‌ ناشی از پارادایم حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی است... . تغییر باید از حوزه پارادایمی شروع شود. پارادایم جایگزین باید به دور از سیاست‌های قبلی در حل مسائل باشد. تجارب جهانی نشان می‌دهد برای انجام اصلاحات اقتصادی در کشورهای موفق، نقطه تغییر، سپردن گرانی‌گاه اقتصادی در دولت به صاحب‌نظرانی مطرح و مورد اجماع جریان‌های فکری است. افراد با این ویژگی قادر هستنداصلاحات اقتصادی را با سرعت و قدرت بیشتری پیش ببرند؛ اما اگر تغییر صرفا به جابه‌جایی افراد محدود شود، فاقد نتیجه مطلوب برای دولت و اقتصاد ایران خواهد بود

**وعده پوشالی عربستان به امریکا**

****

بازار جهانی نفت خام واقع بین‌تر از رئیس جمهوری امریکا و نا امید از افزایش تولید نفت ریاض است. درحالی که دونالد ترامپ امید دارد عربستان عرضه نفت خام خود را به میزان 2 میلیون بشکه در روز افزایش دهد تا آشفتگی و اختلال ناشی از کاهش احتمالی تولید نفت خام ایران و ونزوئلا را جبران کند، فعالان بازار این ادعا را توهمی می‌دانند. علت آن هم ناتوانی ریاض در افزایش 2میلیون بشکه‌ای تولید نفت خام در کوتاه مدت و بی‌علاقه بودن بازار به خرید این نفت است. برخی می‌گویند که عربستان تحت فشار ترامپ برای افزایش تولید نفت دست به‌کار شده و برخی دیگر معتقدند که این کشور برای خوش خدمتی به امریکا یک قول بی‌پایه و اساس داده است. اما به هر حال بازار و خریداران نفت خام چندان منتظر این افزایش تولید نیستند. الان هم که عربستان تولید خود را اندکی افزایش داده، با استقبال گرمی مواجه نشده است. بلومبرگ در جدیدترین گزارش خود نوشت: نفت عربستان در ماه گذشته میلادی (ژوئن) بیشترین میزان تولید در سه سال اخیر را تجریه کرد. ترامپ از عربستان خواسته بود تا برای جبران کاهش احتمالی عرضه نفت ایران، تولید خود را افزایش دهد. اما سعودی‌ها قادر نیستند تولید اضافی خود را به فروش برسانند. به گفته منابع آگاه، برخی مقام‌های سعودی در محافل خصوصی گفته‌اند که در افزایش تولید خود تعجیل کرده‌اند.» با نگاهی به آمار سازمان اوپک و وزارت نفت عربستان می‌توان دریافت که این کشور به هیچ وجه توان افزایش دو میلیون بشکه‌ای نفت خام خود را تا شهریور ماه ندارد.

**ضرورت تغییر تیم اقتصادی که 60 تن طلا را هدر داد**

****

در حال حاضر اقتصاد وارد برهه‌ای شده که می‌توان آن را شبیه جنگ دانست. هیچ ارتش و نیروی نظامی وارد صحنه نبرد نشده جز سیاست‌های اقتصادی. در طول هفت ماهی که نشانه‌های حمله اقتصادی از سوی آمریکا به ایران می‌رفت متأسفانه سیاست‌هایی به عنوان پاتک اتخاذ شد که بیشتر از آنچه آرامش برای مردم به‌وجود آورد، آب به آسیاب رانت‌خواران و فرصت‌طلبانی ریخت که به خوبی از فضای به وجود آمده بهره‌های اقتصادی خود را بردند؛ بهتر است مشخص شود که این پاتک‌ها از سوی چه کسی طراحی و توسط چه کسی اجرا شد که نتیجه آن فقط از یک جنبه هدر دادن حدود 60 تن طلا در قالب فروش 7/6 میلیون سکه بوده است. بدهی بزرگی که بر دوش دولت و مردم ماند اما نه آرامشی ایجاد شد و نه از قیمتی کاسته شد. از همین نوع سیاست‌ها را می‌توان در بخش‌های دیگر اقتصادی هم دید، واردات، خودرو، قیمت‌گذاری‌ها، مسکن و... که فقط و فقط فشار آن بر مردم وارد شده است. بدون شک اتاق جنگ اقتصادی که باید در کابینه اقتصادی دولت شکل گیرد نیازمند افراد باهوش و زیرکی است که ساختارهای جدید اقتصادی ایران و جهان را بشناسند و بدانند که سیاست‌های کهن گذشته در ساختار جدید نه تنها کاربردی ندارد بلکه می‌تواند به اقتصاد و مردم هم آسیب بزند. افرادی که بتوانند از خطاهای گذشته درس بیاموزند و آن را تکرار نکنند و مهم‌تر آنکه افرادی که براساس دوستی انتخاب نشوند بلکه برمبنای شایستگی و لیاقت منصوب شوند.

**از فرصت تحریم برای درون‌سازی اقتصاد استفاده کنید**

****

« اقتصاد ايران از‌اشکالات ساختاري رنج مي‌برد. مشکلاتي که دهه‌هاست کارشناسان، مقامات و مسئولان درباره آن صحبت مي‌کنند؛ اما هيچ‌گاه اقدام اصولي و برنامه‌ريزي‌شده براي ازميان‌برداشتن آنها صورت نگرفته است. اما در اين سال‌ها همواره وابستگي به نفت سير صعودي داشته و افزايش دلارهاي نفتي به‌عنوان يک فرصت در دست دولت‌ها، شرايط را براي شکل‌گيري يک بوروکراسي بيمار فراهم کرد.»« اعمال تحريم عليه ايران معمولا دستگاه بوروکراسي را به سمتي سوق مي‌دهد که به جاي حل بحران‌هاي ساختاري‌اشاره‌شده دنبال حل تبعات تحريم‌ها باشد؛ اما به دليل ناتواني از ايجاد يک اقتصاد درون‌زا، شرايط به‌سرعت به قبل بازمي‌گردد. ايران در سال‌هاي 90 و 91 با تحريم‌هاي نفتي و بانکي جدي مواجه شد که کشور را در محدوديت‌هاي جدي قرار داد؛ اما با رفع اين بحران پس از امضاي برجام، باز‌ درآمدهاي نفتي به اقتصاد تزريق مي‌شود. شايد اگر به جاي تزريق درآمد نفتي، برنامه‌اي ميان‌مدت براي تعاملات خارجي و مسائل داخلي در دستور کار قرار مي‌گرفت، امروز آسيب‌پذيري اقتصاد ايران کاهش مي‌يافت.»«اقتصاد ايران شبيه يک بيمار چاق

است که به دليل چربي و قند بالا بستري است و بايد رژيم غذايي بگيرد؛ اما اين بيمار به محض دريافت علائم اوليه کاهش قند و چربي، پرخوري را از سر مي‌گيرد و دوباره به وضعيت سابق بازمي‌گردد.»

**نژادپرستی سیستماتیک**

****

نمایندگان کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) بحث و بررسی قانونی به نام «قانون کشور یهود»را به تصویب نهایی رساندند. شاید تصویب قانونی تا به این حد نژادپرستانه آن هم بعد از عصر آپارتاید عجیب به نظر برسد، اما باید توجه داشت که رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس خود در هفتاد سال قبل به دنبال چنین هدفی بوده و همواره دولت یهود به معنای دولتی خاص قوم یهود را به عنوان شعار اصلی و مبنای وجودی خود مطرح کرده است. بعد از ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، این امید در سران رژیم صهیونیستی پیش آمد که حالا می‌توانند بدون دغدغه هدف اصلی خود را دنبال کنند. وعده ترامپ به انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس و عملی کردن این وعده و مفاد طرح ترامپ مشهور به معامله قرن به خصوص تعیین کل بیت‌المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، از جمله عوامل مشوق سران رژیم صهیونیستی بود که هدف خود را به صورت این قانون مدون کنند. از این جهت، تصویب قانون کشور یهود در کنست را باید پیش‌درآمد معامله‌ای دانست که رژیم صهیونیستی انتظار انجام آن را دارد و این انتظار هم با وعده و جدیت امریکا به وجود آمده است. سکوت برخی کشور‌های عربی مثل آل‌سعود در قبال تصویب این قانون نشان می‌دهد که آن‌ها نیز قانون کشور یهود را بر مبنای این معامله ارزیابی می‌کنند و از آن جهت که خودشان یک پای اصلی این معامله و از حامیان آن هستند، نمی‌توانند مخالفتی با تصویب این قانون داشته باشند. به هر صورت، تصویب قانون کشور یهود با رویکردی نژادپرستانه بنابر روند فعلی از جریان سازش انجام شده که تنها مقاومت فلسطینی است که می‌تواند آن را در عمل محکوم به شکست کند؛ جریانی که از همین ابتدای کار شکل گرفته است.

**الزامات راهبردی رابطه ایران و روسیه**

****

فروش روزانه پانصد هزار بشکه نفت به روسیه در ازای کالا ، موضوعی مربوط به سال‌های 92 و 93 است و بحث‌هایش در آن زمان مطرح شد. منتها با امضای موافقنامه ژنو در سوم آذر 1393 که مقدمه برجام شد، عملا دیگر این بحث‌ها پایان یافت. چون تحریم‌های ایران بسته شد و دیگر نیازی به توافقات از این نوع نبود. منتها سفر اخیر علی‌اکبر ولایتی به مسکو

به عنوان نماینده ویژه این بحث‌ها را دوباره مطرح کرد. رسیدن ایران و روسیه به سقف 70 میلیارد دلار مبادلات متقابل و بحث‌های دیگر، بحث مبادله نفت در قبال کالای روسی را نیز دوباره مطرح ساخت. واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران در طول 40 سال گذشته نوسانات، بحران‌ها، دشمنی‌ها و از جمله تحریم‌های مختلفی را از سر گذرانده و اینگونه نیست که با شکل‌گیری فضای تحریمی کشور وارد شرایط نامتوازن اقتصادی شود. ایران و روسیه در تحولات مختلف منطقه به‌خصوص در قبال سوریه از یک سمت و از سوی دیگر پرونده‌های مشابهی مثل تحریم‌های دو کشور به عنوان دلایل مختلفی مطرح می‌شود که با هم روابط راهبردی داشته باشند ولی متاسفانه این روابط هنوز راهبردی نشده

هرچند در موضوعات خاص، راهبردی شده یا می‌شود ولی هنوز رابطه راهبردی کاملی بین دو کشور شکل نگرفته است. معتقدم در شرایط کنونی که ایران و روسیه هر دو تحت تحریم‌هایی قراردارند باید یکسری مناسبات راهبردی را با هم تحلیل کنند که این مناسبات فراتر از مبادله نفت با غذا باشد. مسئولان جمهوری اسلامی ایران و روسیه باید چند شاخص را با هم دنبال کنند؛ شاخص نخست اینکه نفت ایران از طریق روسیه به بازار جهانی وارد شود و این جریان بتواند بخشی از مقابله با تحریم نفتی را اینگونه شکل دهد. منتها این فقط در قبال کالای روسی نباشد. روس می‌توانند نقش ترانزیت کالایی را بازی کنند ولی بخشی از کالاهامی‌تواند روسی باشد و بخشی دیگر هم از کشورهای مختلف دنیا و کالاهایی که ما نیاز داریم.

